

ابوالفضل قاسمی

الیکاریشی یا

روز و شب تمام ما را کشت
خستت بر این زمین
پوشیدی

خاندانهای حکومتگرایان



در دوپست سال اخیر (الیکارشی ویژه یی) بر ایران فرمانروایی داشت که شناخت آن از نظر مردم و بویژه نسل نو و ناآگاه لازم است. شناخت هیأت حاکمه ایران ، شناخت خیانت ها ، ناپکاریها ، بیدادگریها ، عقب افتادگیها ، بیگانه پرستی ها پی بردن به ریشه های ترور و نابودی مردانی چون امیرکبیر ، قائم مقامها ... علم و اطلاع کامل از نحوه آغاز نهضتها و آلودگی و کجروی آنها بدون شناخت الیکارشی ایران درست نیست بنابراین ما لازم دیدیم اعضای الیکارشی ایران یعنی خاندانهای حکومتگر ایران را در دوپست سال اخیر بکمک اسناد و مدارک ، پژوهش و تحقیق تاریخی معرفی کنیم .

با همه بررسی چندین ساله و تخصص بیست و پنج ساله نویسنده این مقالات بازممکن است نوشته های ما دور از لفظش و اشتباه نباشد بنا براین همه باهم بکوشیم این حقیقت بزرگ تاریخ معاصر را روشن سازیم .

ابوالفضل قاسمی

خاندان فیروز

فیروز میرزا فرمانفرما

- ۱ -



فیروز میرزا فرمانفرما

فیروز میرزا پسر
شانزدهم عباس میرزا
نایب السلطنه در سال
۱۲۳۳ ق . با بجهان
میگذارد در زمان پادشاهی
فتحعلیشاه بجهت سن و
سال کم سمت و مأموریت
مهمی نداشته است ولی
در سال ۱۲۵۰ با پادشاهی
برادرش محمدشاه نخست
مأموریت مهم او آغاز
میکردد .
حسینعلی میرزا
فرمانفرما حکمران
فارس و حسینعلی میرزا

شجاع السلطنه حکمران کرمان متفقاً سر بنافرمانی علیه پادشاه جوان بلند میکنند فیروز میرزا به همراه منوچهر خان معتمد الدوله و (سر هنری لینزی بیتون و کلنل جستن شیل) مأمور سرکوبی شاهزادهها میشود، فرزندان عباس میرزا شکست میخورند و بقول (لرد گرزن) این مأموریت موفقیت آمیز انجام میشود ، بلا فاصله فیروز میرزا نصرت الدوله حکمران فارس و معتمد الدوله وزیر و پیشکار وی میگردد .
فیروز میرزا در این مأموریت با خشونت زیاد غیرانسانی با مردم

فارس عمل میکند ، و حال آنکه اگر هم مردم و ایلات جنوب با عموهایش همراهی و همکاری داشته اند گناه متوجه شاهزادگانست چدرچنین موقعیتها آنها را درادوار گذشته متنفذان محلی کمتر میتوانستند خود را کنارکشند، داخل ماجراها نگردند .

فیروز میرزا بعنوان اینکه طوایف ممسنی و ولیخان و سران آنان نسبت بدولت نافرمان هستند مردم را مورد یورش قرار میدهد مراکز و مساکن آنان را ویران میسازد و بگفته مورخ دولتی و مؤلف **ناسخ التواریخ** (بسیار کس را ... نابینا ساخت ... چندان سر بریدند و از سرهای دزدان ا مزارها بر آوردند که قاطعان طریق را یکباره دست طمع مقطوع گشت (۱)

فیروز میرزا باین کشتار اکتفا نمیکند و چون بر (اسماعیل خان قرا... چورلو) یکی از متنفذان و سران ایلات دست نمیباید ، صدها نفر را اسیر می کند و بشیراز میآورد و بطرز فجیحی آنها را تحت شکنجه قرار میدهد .

باید دانست در آغاز کار بین **ولیخان و ایل ممسنی** با دولتیان با مسالمت پیش میروند ولی بقول فارسنامه ناصری (جوان فرشته سیمایی از خویشاوندان ولی خان مطمع نظر سرداران اردو گشته !! ...) این امر کار را بجنگ و جدال میکشد ایل ممسنی بعنوان حمایت کشی بادولتیان درمیافتند. این مورخ درباره فجایع شاهزاده چنین ادامه میدهد: (نواب فیروز میرزا با نیل بمقصود در اوایل ماه صفر ۱۲۵۲ ... وارد شیراز شدند در خارج دروازه باغشاه برجی ساختند معادل ۷۸ نفر از قبیله ولیخان و اهالی شول جوزک کام فیروز را که با ولیخان دوستی و همراهی داشتند زنده در آن برج گذاشته سر های آنها را از سوراخهای برج بیرون کرده مردمان شهری آب و نان میدادند تا چند روز زنده نماندند (۲)

غیرت کشی یعنی راهزنی

با اینکه (میرزا حسن فسایی) پاسخ سپهر را میدهد معلوم میشود دفاع از شخصیت و غیرت از نظر قاموس مورخ دولتی مترادف با اتهامات دزدی و راهزنیست ولی باز بطور کامل ماجرای دژ خوئی و ددمنشی شاهزاده را روشن نمی کند .

۱- ناسخ التواریخ جلد قاجاریه صفحه ۳۶

۲- فارسنامه ناصری صفحه ۲۹۲

یکی از فجایع بزرگ بشری

اوژن فلاندن فرانسوی که در سال ۱۸۴۱ کمی بعد از این رویداد بایران می‌آید و در فارس گردش میکند در این مورد مینویسد: (... برای اینکار بهتر دانست دردشت شیراز و نزدیک یکی از دروازه ها برجی سازد برای این برج حجرات لاتعدو لاتحصی ساخت که هر یک منزل محبوس شود در آن زندانیان را جای داد سپس با گچ و آهک و مصالح بنایی دور و برش را پوشانید بالای سر هر یک پنجره گذاشت تا از این پنجره ها این تیره بختان گرسنه و تشنه دیده شوند)

سپس احساس بشری خود را از این مشاهده چنین بیان میدارد: (وقتی بدین برج داخل شدم خرده های بسیار از جمجمه و پارچه های لباس یافتیم هر کس بدین جا پا گذارد و این وضعیت را به بیند لرزان میشود . فراشی که با من بدرون برج آمد، میگفت دو نفر از رؤسایشان را مخفیانه تلف کردند، یکی را بدهانه قوب بسته دیگری را دو نیمه کردند و هر نصفه را بدروازه آویزان نمودند تا دیگران ببینند سر پیچی نکنند .

تصور این قبیل جنایات را نمیشود کرد گویا اینها تشنه خونند که بجزنین اعمال مبادرت میکنند و الا یک تنبیه کافیهست. در شرق که بقول خودشان آزاد است !!! مطیع اراده های نفسانی و شهوات بی معنی میگردند، هیچوقت از روی منطق و عادلانه قضاوت نمیکند، از حد خود خارج میشوند، هیچ فکر هم نمیکند که قضاوت غلط کرده اند .

وقتی پرسیده شود بچه سبب خلافی که مستوجب چنین مجازاتی نبود بدین عقوبت رسد میگویند باید آن چنین کرد تا دیگران عبرت گیرند اغلب باید گوشمالی باین مردمان ناهنجار و نامطیع داده شود .. (۱)

اوژن فلاندن در این مورد مطالب بیشتری مینویسد و این عمل حضرت والا را (یکی از فجایع بزرگ تاریخ و عالم بشریت) میداند، منتهی دچار یک اشتباه میشود چون در زمان تماشا و بازدیدوی حکمران فارس معتمد الدوله بوده است اشتباها این جنایات را بحساب معتمد الدوله میگذارد و حال آنکه

دیدیم فرمانده اردوی اعزامی و فرمانفرمای مطلق جنوب فیروز میرزا بود. در تأیید بیرحمی فیروز میرزا ، محمد خان مجد الملک (نیای خاندان امینی) نیز در تاریخ خود شرحی مینویسد و معتقد است: (هیچ قسی القلب را تاب شنیدن جنایات او نیست (۱))

بعد از فوت برادر و سلطنت ناصر الدین شاه وی (رضا قلی خان اردلان) که از تهران فرار کرده بود تحریک بقیام میکند تا شاید با دست او بتواند خود را بشاهی رساند ولی خان اردلان در برابر نیروهای اعزامی تاب نمیآورد شکست خورده به شاهزاده که حکمران کرمانشاهان بوده پناهنده می شود ، فیروز میرزا هم بمنظور پنهان ماندن راز همبستگی خود با وی از ناصرالدین شاه حکم عفو او را میگیرد .

شجاع العالم !!

وی در زمان ناصرالدین شاه به مشاغل مهمی میرسد کتاب (مآثر الانار) مشاغل وی را در این دوره حکومت تهران ، آذربایجان ، بلوچستان و مقام وزارت جنگ مینویسد ولی اعتماد السلطنه در نوشته دیگر خود (روزنامه شرف) بتفصیل این چنین مناصب و نشانها و درجات او را ثبت می کند:

(نواب والا شاهزاده فرمانفرما فیروز میرزا ... از اعمام کرام سلطنت . از عهد سلطنت ... محمد شاه ... مصدر خدمات عمده و مرجع مأموریت های بزرگ دولتی در فارس و غیره بودند از بدو جلوس اعلیحضرت ... در حالی که بلقب نبیل نصرت الدوله گی ملقب بودند بحکومت و فرمانفرمائی مملکت فارس منصوب شده تا سال شش سلطنت ... مستقلا در آن مملکت حکمرانی کردند ... امتیازات بزرگ دولتی از جبه و شمشر مرصع و منصب و نشان و حمایل درجه ۱ میرپنجی اضافه موجب و ... درباره ایشان مبذول افتاد در سال ۱۲۷۰ از فارس احضار بدربار همایون شد و بنیابت ولیعهد ... مأمور به حکومت مملکت آذربایجان گردیدند .

در ۱۲۷۴ احضار بحکومت عراق شد و ۱۲۷۵ ایالت ملایر و نویسرگان ضمیمه حکومت عراق و واگذار ایشان گردید و در همین سال

علاوه بر حکومت عراق و ملایر و تویسرکان به حکومت بالاستقلال دارالخلافه باهره طهران نیز منصوب و برقرار و در ۱۲۷۶ بیک قطعه نشان تمثال همایون سرفراز و جزه وزراء و اعضای عظام مجلس شورای دولتی منسلک شدند و ۱۲۷۷ نشان درجه اول مجیدی از دولت عثمانی برای ایشان آمد و ۱۲۷۷ سرداری قشوق عراق نیز بایشان تفویض شد در ۱۲۸۶ در حالیکه بامارت و ریاست توپخانه مبارکه برقرار بودند، بمنصب وزارت جنگ برقرار و پس از چندی مستقلاً بوزارت جنگ منصوب گردیدند. در ۱۲۹۰ در رکاب سفر فرنگستان رفته بعد از مراجعت مجدداً بوزارت جنگ و امارت توپخانه و قورخانه نایل شدند در ۱۲۹۱ به حکومت عراق و بروجرد منصوب و ۱۲۹۳ پس از قدری انفصال این حکومت مجدداً حکومت ایالت مرکزی که عراق، همدان، ملایر، تویسرکان، نهاوند، گلپایگان، خوانسار، بروجرد باشد با لقب نبیل فرمانفرمایی بایشان تفویض و مرحمت شد ۱۲۹۶ به حکومت ایالت کرمان و بلوچستان مأمور و منصوب گردیده و همواره اوقات دارای مراتب عالی و مناصب منظمه و امتیازات بزرگ دولت و مورد مراع و الطاف مخصوص بوده هستند. (۱) .

بطوریکه دیدید عمر سیاسی حضرت والا بیشتر در امور سپاهگیری گذشته است مجدداً الملك سینکی پرده از این علاقه شاهزاده به امر قشون بر میدارد و معتقد است: (هر فوج بی زحمت زرع و کشت و آفت ارضی و سماوی یک ده معتبری منفعت داشت)

از اقدامات برجسته فیروز میرزا در این سمت تعمیر غذای سرد و حاضری سربازان به غذای گرم است که مجدداً الملك در این باره چنین مینویسد:

(پیش از اینکه در شایده گرسنگی حرکت مذبوحی از افواج میشد ناله و فریادی میکردند بچند لقمه حاضری که سبک و سریع الهضم و مختصر بود آنها را سیر میکردند بسه پایه می بستند و تازیانه میزدند در این دو سال سنگینی آقا اقتضا کرد سربازها را بقدای منطبق یعنی تیرباران گلوله بقددیست دیر هضم و سنگین از وجع جوع خلاصی دهند تا بشجاع العالم ملقب شود)

وزیر جنگ با هر گونه نوسازی ارتش و برقراری نظم درست مخالف بود و وقتی تصمیم گرفته میشود امور اداری ارتش را از وضع بلیشو و هرچ و مرج برهاند وی اعتراض میکند منطق ارتجاعی وی شنیدنیست کتاب بالا در این مورد چنین مینویسد: (از کتابچه‌های تنظیمات قشون که منتسبین ایرانی نوشتند و بدستخط همایون موشح شده فیروز وزیر جنگ اعتراض غریبی دارد میگوید بعد از سالها تجربه و زحمت اینقدر خاک بر سر ما شده که نقل خود را کنار بگذاریم مقلد مرد که قرنگی شویم ریشمان را بدست چند نفر جاهل بدهیم لازمه تنظیمات قشونی تسلط زیاد است و پول حاضر که آدم بتواند رخنه کار هارا ببندد افغانها که صفویه را متفرق کردند کتابچه تنظیمات داشتند فادر که هر چه «نه» بدتر افغانها را پاره کرد و تمام هندوستان را گرفت قواعد قرنگی میدانست من این چیزها را نمیدانم شغلی پادشاه بمن محول کرد از کسالت بیرون بیایم هزار نفر در این میانه از من توقع دارند طالع بد عجب چیزیست مردم بردند و خوردند بمن که رسید باید گرفتار این لجن کاری باشم) مجدالملك در صفحات دیگر از سؤ استفاده فیروز میرزا از ارتش و ایجاد بلواهای ساختگی و اردو کشی دروغی بمنظور یافتن راه خرج و دخل نکات جالبی مینویسد که ما مطلب را مقرأض میکنیم علاقمندان را به خواندن این کتاب سفارش می نمائیم .

عمال استعمال !!

دوره دهساله ۱۲۸۰-۱۲۹۱ (۱۸۶۳-۱۸۷۳) یکی از ادوار مهم تاریخ استعماری بشمار میرود، انگلستان در این سالها میکوشد از جهات مختلف ایران را در اختیار خود بگیرد .

(میرزا حسین خان سپهسالار) از رجال معتقد به برقراری نفوذ عمیق دیپلماسی انگلستان در ایران بود .

سر ریدر بولارد سفیر انگلستان هنگام جنگ دوم جهانی در ایران

می نویسد :

احساسات انگلیس پرستی در این موقع در ایران بسیار زیاد بود رجال ایران آلت دست انگلستان بودند .

لرد کرزن نظر میدهد: (شوق و شغف برای دوستی با انگلیس، صمیمیت و وفاداری نسبت بدولت انگلیس هیچوقت باین درجه در ایران بالا نرفته بود که در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار بالا رفت در این دوره دوستی دولت ایران باعلا درجه رسید) محمود محمود مورخ فقید در تأیید این نظرمینگارد: (در هیچ تاریخی اولیاء امور ایران این اندازه اظهار صمیمیت و یگانگی نسبت به انگلستان نشان نداده اند در حقیقت در مدت دهسال تمام از ۱۲۸۰ تا ۱۲۹۱ وزراء ایران کاملاً در دست سیاسیون انگلیس بوده نسبت به آنها صدیق و وفادار در مقابل تقاضاهای آنها بی اختیار بودند) (۱)

نقشه استعمار در این سالها در اختیار گرفتن تمام منابع کشاورزی و معدنی و مالی از راه (قرار داد رویتر) حل مسئله مرزهای شرقی و ایجاد حریم برای هندوستان و معامله روی مناطق ایران در آسیای مرکزی بود.

رجال و وزیران ایران نهایت خدمتگزاری و بندگی خود را در این مورد بعمل آوردند.

منتهی خدای ایران نگذاشت نقشهها صورت عمل بگیرد و منجمله قرارداد رویتر اجرا شود. ولی قسمتی از خواستههای استعمار از راه حل مسئله بلوچستان و عقد قرارداد «گرچاکف گرانویل» (۲)، در مورد آسیای مرکزی عملی شد.

یکی از رجال مهم و وزیران که در مورد فرمانبرداری و خدمتگزاری او استاد ارائه شد (فیروز میرزا نصرت الدوله فرمانفرما) بود که همراه شاه به اروپا رفت و در این مدت یکی از مهم ترین مشاغل وزارت جنگ در اش سال عهده دار بود (۳).

۱- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد سوم صفحه ۷۵۲.

۲- پرنس گرچاکف وارل گرانویل وزیر امور خارجه روسیه و انگلستان بودند از این جهت قراردادیکه در ۱۹۲۱ هجری بنمایندهای آن دو بسته شد بنام آنان معروف گردید.

۳- سفرنامه کرمان و بلوچستان.

و شاید همین خدمات پایه‌های حکومت خاندان فیروز راحتی پس از قاجار استوار و محکم داشت.

کیمیائست عجب بندگان پیرو مغان

خاک او گشتم چندین در جاتم دادند

فیروز میرزا فرمانفرما آدم خوشگذران و میخواره بود در شرب مشروبات حد اعتدال را نگاه نمیداشت .

بنا بنوشته اعتماد السلطنه وی در بیست و نهم ربیع الاول ۱۳۰۳ در سن هفتاد سالگی به مرض ذات‌الجنب و افراط در شرب شراب فوت شد (۱) ولی خاندان فیروز مرگه او را در ۱۳۰۰ مینویسند (۲)

دامادهای فیروز میرزا

فیروز میرزا باهما خانم دختر بهاء الدوله پسر فتحعلیشاه (دختر عمومی خود) ازدواج می‌کند . از او چهار فرزند ، (سه دختر و دو پسر) پیدا می‌کند...

دختران فیروز میرزا یکی سرور السلطنه (حضرت علیا) ، نجم السلطنه و ماه سیم و پسران عبدالحمید میرزا ناصر الدوله و عبدالحسین میرزا فرمانفرما هستند .

سرور السلطنه معروفترین و بزرگترین دختر فیروز میرزا بعقد مظفر - الدین میرزا ولیعهد درمیآید ، این خود وسیله نو برای استوار ساختن خویشاوندی شاهی میشود چه می‌بینیم با پیادشاهی رسیدن داماد فیروز موقعیت این خاندان استحکام و قوام بیشتر می‌یابد از وجود پادشاه بهره‌های فراوان نصیب آنان می‌گردد . ناصر الدین میرزا فرزند مظفر الدینشاه از این خانم است سرور السلطنه بعداً لقب (حضرت علیا) می‌یابد .

نجم السلطنه دختر دوم فیروز میرزا در آغاز زن (هدایت‌اله وزیر دفتر) می‌شود بدینوسیله خاندان‌های آشتیانی (دفتری ، مصدق) را با قاجار مربوط

۱- ۸ خاطرات اعتماد السلطنه صفحه ۴۶۸ .

۲- سفرنامه کرمان و بلوچستان .

میسازد، سپس همسر وکیل‌الملک کرمانی (مرتضی قلی‌خان اسفندیاری) و پس از آن زن وکیل‌الملک آذربایجانی (فضل‌اله دیبا) برادر نظام‌العلماء دیبا می‌شود.

-۴-

ناصرالدوله فیروز:

بزرگترین پسر فیروز میرزا سلطان حمید یاد رستمر و معروفتر آن سلطان عبدالحمید میرزاست. که هنگام حیات پدر دارای مشاغل نسبتاً مهم در دستگاه بود ولی بعد از پدر مناصب زیادی را عهده دار می‌گردد. روزنامه دولتی شرف اعتماد السلطنه (محمد حسن خان مقدم)، مشاغل وی را چنین شرح می‌دهد:

(... سلطان حمید میرزا فرمانفرما ناصرالدوله امیر تومان والی مملکت کرمان و بلوچستان که از شاهزادگان جلیل‌الشان... دولت جاوید هستند پس از تحصیل علوم داخل دایره خدمت عسکرینه شده در ۱۲۷۵ که موکب‌های یونی تشریف‌فرمای عراق شد با عطای منصب سرهنگی و سیصد تومان مواجیب سرافراز گردید.

در ۱۲۸۴ بر سر تپه فوج تخته قاپو و سواره چلبانلو نایل و با فوج بر کاب مبارک احضار شده یکسال در قراولی مخصوص ذات اقدس همایونی مشغول بودند.

در سال ۱۲۸۵ دو فوج قزوین بنواب... واگذار بخدمت قراولی شهر دارالخلافه مأمور گردیده در اواخر همین سال دو فوج طهران دماوند ضمیمه ابوابجعی ایشان آمد و پیاداشان نظام شهر دارالخلافه بحمایل و نشان سر تپه سرافراز گردیدند.

در سال ۱۲۸۷ با فوج قزوین در شرف ملازمت رکاب اعلیحضرت بسفر عتبات... رفته.... بمنصب سر تپه اول نایل شدند در همان سال بر ریاست کلیه قشون آذربایجان مأمور بلقب نظام‌الدوله ملقب در ۱۲۸۹ بدر بار خلافت احضار و فوج فراهان و کمره و ایشان واگذار و یکقطعه نشان و یک رشته حمایل سر تپه اول نیز اعطا و مرحمت شد.

در ۱۲۹۰ زمانیکه موکب همایونی عزیمت سفر فرنگستان می فرمود نواب... به ریاست اردوی نظامی استرآباد مأمور گردیده یکسال و نیم در آن سرحد مشغول خدمت بودند. در ۱۲۹۱ بلقب جلیل ناصرالدوله ملقب در موقیقه قشون ظفر نمون بادارات منقسم بود به پیشکاری عراق سرافراز گردیدند در ۱۲۹۲ بحکومت بروجرود و ریاست فوج سیلاخوری و بملاوه افواج کمره و فراهان در ۱۲۹۳ مأمور به ریاست کلیه قشون مرکز و باعطای یک قضیه شمشیر مرصع نایل در ۱۲۹۷ باعطای یکقطعه نشان تمثال مبارک میاهی و بریاست یکقسمت عمده از قشون مأمور آذربایجان شدند در حدود سال ۱۲۹۸ که اواخر فتنه اکراد در سرحد ارومی و ساوجبلاغ بود نواب... با قشون زیادی از تبریز بسرحدات ساوجبلاغ و ارومی رفته در قلغ ریشه فتنه و فساد متمرکب اکراد اقدامات شایان کرده پس از مراجعت از این سفر بمنصب جلیل امیر تومانی و حمایل نشان این رتبه مفتخر شدند در ۱۲۷۹ چون مرحوم فرمانفرما (منظور فریروز میرزا می باشد) استدعای شرف اندوزی خاکبای همایون را نمودند حسب الامر... حکومت کرمان و ریاست قشون آن نظامان بنواب... واگذار و در سال اول حکومت نواب... با مرهمایونی قلعه ناصری را... بنا کرده پیاداش این خدمات به یکقبضه شمشیر مرصع ممتاز سرافراز گردید. از آن سال تا کنون پیوسته باین ایالت جلیله منصوب و برقرار... کلیه طوایف آن حدود را در سلک نوکری و خدمت منسلک و منظم و با بوظایف رعیتی مشغول و ملتزم داشته در ۱۳۰۵ بلقب نبیل فرمانفرمائی... ملقب گردید. (۱)

سرپرستی سایکس در سفرنامه خود می نویسد: (فیروز میرزا یکسال حکومت کرد. پس از انقضای سال، پسر او سلطان حمید میرزا جای پدرش را گرفت.. شاهزاده مذکور پس از یازده سال حکمرانی در سال ۱۳۰۹ در گذشت و گویا با بیماری (منضاد مثل محرقة و مطبقه و اسهال و زهیر دچار گردید و در عشر آخر رمضان (۲) فوت می کند تن او را در آرامگاه مشهور به قبر آقا در خارج شهر کرمان بامانت می سپارند.

۱- روزنامه شرف نامهی شماره ۵۹ تاریخ جمادی الاخر ۱۳۰۵

۲- هشت سال در ایران یا ده هزار میل سیر و سیاحت در کشور

آوارگی آزادگان

مترجم کتاب سایکس در پائین همان صفحه سی افزایشید: (مرحوم میرزا عبدالحسین معروف به میرزا آقاخان بردسیری در زمان همین شاهزاده و بواسطه مظالم او از کرمان مهاجرت و باصفهان و طهران و سپس باسلامبول رفته است).

ناظم الاسلام کرمانی مدیر روزنامه (کوکب دری) که یکی از شاگردان میرزا عبدالحسین خان است در این باره مینویسد: یکی از اساتیدم عبدالحسین خان معروف به میرزا آقاخان کرمانی در ۱۳۰۲ از تمدی و ظلم ناصرالدوله سلطان عبدالحمید میرزا هجرت کرده به اصفهان رفت (۱) بهمین سبب میرزا آقاخان در آثار و نوشتجات خود وقتی بنام فیروز برخورد می کند اورا (از حلیت عدلو کسوت عقل عاری) میدانند و بداشتن (صفات رذیله) میخوانند و می نویسد:

(از فرط آزی که داشت دست تمدی دراز و چشم طمع بر حقوق و اموال مردمان باز کردی)

سپس وضع خود و سایر ستمدیدگان مبارز و قید ناپذیر را چنین شرح می دهد: (جمعی که این حال بدیدند ... به بلای محن و جلای وطن راضی شده از آن ورطه سخت بیرون کشیدند ... من نیز از جمله آنان بودم... با وجود علاقه بسیار ترک اموال و دیار گفتم و از هر گونه حیثیات خود گذشتم این قطعه را بدو نوشتم:

ای که خلقی همه گرد سر خود گردانی
این روش از تونه زیننده بود گردانی
حالیا سیل جنای تو که بنیادم کند

خود مگر فکر حکیمانه کند بنیانی
ناصرالدوله می کوشید میرزا آقاخان را به کرمان باز گرداند تا کیفر
نافرمانی اورا بدهد ولی اتایک موافقت نمی کند (۲).

۱- اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی صفحه ۶۴ و ۶۵

۲- تاریخ بیداری صفحه ۶

۳- تاریخ کرمان (سالاریه) صفحه ۴۱۲

عمل ناصرالدوله فرمانفرما فقط درباره این مرد آزاده و دانشمند نبوده او با تمام افراد زنده و صاحب فکر و عقیده سیاسی که میخواستند مردم را از خواب غفلت بیدار نمایند دشمن بوده است چه روحی یکی از علمای کرمان هم که افکار جدیدی پیدا کرده بود با دست این شخص بسر نوشت آقا خان دچار میشود.

روحی و آقاخان دونفر از مردان زنده و آزاده ایران بودند که تاریخ آزادی ایران هرگز خدمات این دو نفر مرد را در راه آزادی ایران فراموش نخواهد کرد بچاست که ما در اینجا چند سطر را راجع باین دو بنویسیم.

اینها بعد از اینکه از کرمان تبعید میشوند باصفهان و طهران رفته بمبارزه خود علیه دستگاه قلدری و استبداد ادامه میدهند و چون امثال فرمانفرما ها مانع فعالیت آنها بودند از ایران خارج شده در کشورهای اروپائی به مبارزه می پردازند. در ترکیه با شاگردان مدحت پاشا آشنا میشوند تحت رهبری سید جمال الدین اسد آبادی کانون ضد استبدادی بوجود میآورند. مظفرالدین شاه بوسیله علامه الملك دست پیدامن سلطان عبدالحمید پادشاه خونخوار عثمانی میزند، بدستور سلطان مستبد ترك آندو را توقیف بعد از مدتها حبس در زندان طرابوزان بایران وارد میکنند در تبریز سر آنها را میبرند، پوست سرشان پر از گاه کرده بحضور قبله عالم میفرستند.

برای اینکه باثر مبارزات این افراد در هفتاد سال پیش پی برده باشیم ضمناً از شهدای آزادی بنیکی و از دشمنان آزادی بیدی یاد کرده باشیم چند سطر از اشعار پرشور میرزا آقا خان را که درباره مظفرالدین شاه سروده است در اینجا میآوریم:

که بعد از تو خیزند مردم بیای
بگویند با ناله زیر و بسم
کسی زین نشان شهر یاری ندید
گرفتن هم از کهتران مال و گنج
نه يك ذره زو کشور آباد گشت
همه کار کشور از او گشت سست
زیبیداد او دست ها بر خدا
ز خاکش بیزدان پناهیم بس

بترس ایجهانجوی ایران خدای
بنالند از دست جور و ستم
که ایزد همی تا جهان آفرید
که جز کشتن و بستن و دردد رنج
نه جان سپاهی از او شاد گشت
نماند هیچ در ملک جائی درست
خزینة تهی گشت ملت گدا
نخواهم بر تخت از این تخمه کس

سوسمارالدوله

در کتاب (هفتاد و دو ملت) نیز آقاخان کرمانی به پیدادگری ناصرالدوله که سبب در بدری و آوارگی او شده است اشاره کرده است نووول ارزنده و انتقادی آقاخان با عنوان مستعمار (سوسمارالدوله) که نمایشگر مظالم حکمرانان در دوره قاجار در کرمان است مربوط به کردار (ناصرالدوله) میباشد (۱).

پیدادگری وی در کرمان چنان ناصرالدوله را عادت داده بود او خیال میکرد همه ایران ملک طاق اوست. کما اینکه بنا نوشته اعتماد السلطنه وقتی در اراک مختصر تمدی از طرف رعایای قوام الدوله به املاک او میشود وی از کرمان دستور میدهد روستای قوام الدوله را خراب کنند بر اثر این دستور (چهار هزار رعیت بایبل و کلنگ بدهد قوام الدوله رفته آنجا را ویران کرده اند) ناصرالدینشاه وقتی از این عمل فیروز آگاه میشود ناراحت میگردد چه از این رویه فیروز بروش حکمرانی وی در کرمان پی سبب رد تلگرافی باو میگوید: (از قراریکه شنیده میشود در اغلب بلاد ایران این نوع تعدیات میشود) در نامه های ناصرالدینشاه موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز باین موضوع اشاره شده است. مانده دارد

۱- خاطرات اعتماد السلطنه ۱۶ صفر ۱۳۰۷ صفحه ۷۶۳

۲- هفتاد و دو ملت صفحه ۵۰

اولین هیئت رئیسه مجلس

دوشنبه نوزدهم شعبان سال ۱۳۲۴ هجری قمری یکروز بعد از افتتاح مجلس در عمارت گلستان، صنایع الدوله به اکثریت آراء به ریاست مجلس شورای ملی ایران برگزیده شد و آقایان وثوق الدوله و حاج امین القرب بنویان نواب رئیس اول و دوم انتخاب شدند.

آقایان سید محمد تقی هراتی، حاج سید نصراله تقوی، دبیر السلطان و عون الدوله نیز بنویان منشی های مجلس اول برگزیده شدند. منشی ها را در آن ایام اعضای دفتر کابینه مجلس می گفتند.

بعداً هیئتی از وکلا برای تدوین نظامنامه داخلی مجلس معین شد و در منزل صنایع الدوله به کار تهیه و تدوین آن پرداختند (۹)